

ابزارهای مورد استفاده در مجازات مجرمان در ایران سده‌های میانه

امید بهرامی نیا^۱

سید احمد رضا خضری^۲

چکیده: قبایل صحراگردی که در سده‌های میانه به ایران سرازیر شدند و چندی بعد به حکومت رسیدند، با وجود ادعای حمایت از شریعت و پاسداشت آن، در عمل و در عرصه تعامل با دیگران، به آموزه‌های اسلام دایر بر حفظ حقوق دیگران و به‌ویژه مخالفان پایبند نماندند. این رویکرد فقط از سوی آنان اتخاذ نشد، بلکه گروه‌های رقیب و سایر بازیگران عرصه سیاست نیز عملاً چنین رویه‌ای را در پیش گرفتند و بدین ترتیب، حجم عظیمی از ابزارهای مجازات در منازعات سیاسی- مذهبی ایران آن زمان به کار گرفته شد. بر همین اساس، این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش اصلی است که چرا و چگونه این ابزارها برای مجازات افراد مجرم و غیرمجرم به کار می‌رفت؟ نویسندگان پژوهش حاضر، برای پاسخگویی به این پرسش براساس روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، در وهله نخست نوع و چگونگی کاربرد ابزارهای مجازات را واکاوی کرده و سپس میزان انطباق آنها با آموزه‌های شریعت و چرایی به کارگیری آنها را در دوره مورد بحث بررسی کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ابزارهای مجازات، ایران سده‌های میانه، شیوه‌های مجازات، غزنویان،

سلجوقیان

۱ استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) omid13594@yahoo.com

۲ استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران Akhezri@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۱ تاریخ تأیید: ۹۸/۰۶/۰۷

The Tools Used for Punishment of Criminals in Medieval Iran

Omid Bahraminia¹
Seyyed Ahmadrza Khezri²

Abstract: The barbarian people who came to Iran in the middle centuries, and sometime later came to power, despite the claims of protecting and respecting the Shari'a, did not adhere to the teachings of Islam in protecting the rights of others, especially the opposition, in practice. It is noteworthy that this approach was not only taken by them, and rival groups and other actors in the field of politics practically took such a course, and on that basis, a huge amount of the means of punishment in the religious political conflicts of Iran was used at that time. Therefore, this research seeks to answer the main question why and how these tools were used to punish the guilty and innocent ones! In order to answer this question, the authors, using descriptive-analytical method and using library resources, first of all investigated the type and manner of using punitive instruments, and then their degree of conformity with the Shari'a doctrines and their application in the course of the intended period were reviewed.

Keywords: punishment tools, Medieval Iran, methods of punishment, Ghaznavids, Seljuks

1 Assistant Professor, Department of history of Islamic Culture and Civilization, (Corresponding Author), Payame Noor University, Omid13594@yahoo.com
2 Professor of History of Islamic culture and Civilization in University of Tehran Akhezri@ut.ac.ir

مقدمه

از همان ابتدای شکل‌گیری جوامع بشری، حتمیت وقوع جرم به دلیل گریزناپذیری منازعات ناشی از زندگی اجتماعی، مستلزم وجود یک نظام کیفری در تاریخ تمدن بشر بود که به عنوان یک پدیده اجتماعی، ماهیتی سیال و تحول‌پذیر داشته و ابزارهای اعمال آن در کنار فلسفه، حدود و نهادهای مرتبط با آن، پایه‌های تحولات اجتماعی و فرهنگی، در تغییر بوده است. نخستین واکنش و تدبیر اجتماع جهت مقابله با جرم به عنوان یک رفتار خلاف هنجار، اعمال مجازات‌های بدنی و تعذیبی با جنبه‌های نمایشی بسیار قوی بود. با انباشت تجربه جمعی زندگی بشر و پیچیده‌تر شدن ساختار اجتماع، تعمیق کشمکش‌های مبتنی بر تفاوت و تعارض منافع انسان‌ها و گستردگی دامنه خشونت‌های ناشی از آنها، به تدریج و شکل‌گیری انواع سامان سیاسی (حکومت) به عنوان «شر ضروری» برای رفع و یا کاهش کشمکش‌ها منجر شد و بر این اساس، نه تنها در جرم‌انگاری، بلکه در اعمال مجازات و همچنین انتخاب ابزار متناسب با آن، اراده حاکمان اجتماع به عنوان صاحبان اقتدار برتر و پیشگامان قانون‌های کیفری، تعیین‌کننده اصلی شد. در این میان، با وجود بهره‌مندی حقوق یونان و روم باستان از مجازات‌هایی دیگر، در ایران باستان این مجازات‌های بدنی بود که بازیگران اصلی نمایش مجازات بودند و مقامات حکومتی با به کارگیری ابزارهای متناسب با هولناک‌ترین و خشن‌ترین مجازات‌ها، مغضوبان را به کیفر می‌رساندند.

با ظهور اسلام، جهت‌گیری اصلی قرآن در تأکید بر کرامت ذاتی انسان (اسرا: ۷۰)، آزادی انتخاب دین (یونس: ۹۹؛ بقره: ۲۵۶؛ کهف: ۲۹)، عدم نیاز به همدینی در همزیستی (نساء: ۹۰؛ بقره: ۱۹۰؛ ممتحنه: ۸) و لزوم پاسداشت جان و حق حیات انسان‌ها (انعام: ۱۵۱؛ مائده: ۳۲)، عملاً بر اعمال بسیاری از مجازات‌ها و کاربرد ابزارهای متناسب با آنها خط بطلان کشید و اگر در چند استثنای قصاص (بقره: ۱۷۸؛ مائده: ۳۲) و محاربه (مائده: ۳۳) و نیز زنا (نور: ۲) و قذف (نور: ۴) برخی از ابزارهای متناسب با آنها همچون شمشیر، دار اعدام و تازیانه را به کار گرفت، با تأکید و تشویق بر عفو (مائده: ۴۵)، انحصار مجازات قصاص امضا شده در ادیان پیشین و سنت عرب جاهلی را لغو کرد و با تعیین شروط تحقق جرم محاربه و اتخاذ رویکرد تزیینی و فرسایشی در جرم‌هایی چون شرب خمر و تعیین شروط عملاً غیرممکن در اثبات زنا و قذف، دایره شمول کاربرد این ابزارها را بازهم تنگ‌تر کرد. عملی شدن این رویکرد توسط پیامبر و

پرهیز وی از ورود به مسائل و وقایع جزائی و جنبه‌های ماهوی عدالت کیفری و تصدی ابعاد شکلی این نظام و عدم توسل به نهادها و تدابیر سرکوبگر کیفری جهت تسلط بر اوضاع و تثبیت و بقای قدرت سیاسی،^۱ با وجود رویکرد عملی دیگر حکمرانان گذشته و معاصر خود، مؤید محدودیت بُعد کیفری کتاب و سنت است. گسترش جغرافیایی اسلام در ایران از طریق فتح تغلبی با هیئت قبایلی و ذهنیت اعرابی، پس از پیامبر^۲ و نزدیک شدن شیوه حکومتی خلافت راشده به الگوی «سلطنت» ایرانی در عصر اموی، در کنار دیگر علل و دلایلی که موضوع این نوشتار نیست، روند فوق را در کل و به‌ویژه در ایران موضوع این نوشتار، اگر نگوییم متوقف، بلکه منحرف کرد و با تثبیت این الگو در عصر عباسیان و سربرآوردن قدرت‌های نیمه‌مستقل ایرانی، الغای نظریه شاهنشاهی در دیدگاه اسلامی، در ایران نه تنها لباس واقعیت نپوشید که توجه دینی نیز پیدا کرد و آموزه‌های محدودکننده این الگو را نیز بستر قدرت مطلقه به حاشیه راند. ضربه نهایی بر این میراث را قدرت‌گیری ترکانی وارد کرد که از سال‌ها قبل در ساختار سیاسی نفوذ کردند و با تثبیت جایگاه، موفق به تشکیل سلسله‌هایی شدند که به دلایلی همچون وجود هرج و مرج و نفاق در مناسبات خانوادگی، به کارگیری نیروهای مزدور، ساخت اقتدار ایلی و سابقه بندگی و بهره‌گیری از انواع ابزارهای کیفر، تجربه حکمرانی‌شان به دوره «قتل و غارت و ناامنی» توصیف شده است.

با وجود حضور دیرین و پررنگ نهاد مجازات در تاریخ بشر و نیز با وصف سیر تحول نظام‌های کیفری همگام با تحولات تاریخی و تجدید نظر در رویکرد غالب بر تاریخ‌نگاری سنتی، تا آنجا که جست‌وجو شد، در میان پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه ایران سده‌های میانه، مسئله تحول نظام‌های کیفری و به‌ویژه ابزارهای آن، مد نظر پژوهشگران نبوده است و بر این اساس، این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع، مأخذ و پژوهش‌های موجود، بر شناسایی و کاربرد ابزارهایی که در مجازات‌های معطوف به تحقق اهداف سیاسی^۳ به کار گرفته شده‌اند، تمرکز کرده و ابزارهای به کار گرفته شده در این حوزه را از حکومت

۱ گفتنی است که هم در این مقام و هم در بحث ابزارها، جنگ با قوانین و الزامات و ابزارهای خاص خودش از دایره بحث خارج است.

۲ برخلاف مناطقی همچون جنوب شرقی آسیا که عمدتاً از طریق بازرگانان و مبلغان مسلمان و طی فرایند فرهنگی آرام و از طریق فتح قلبی/ایمانی انجام شد. جهت تفصیل مطلب، ن.ک: آیین‌وند، ۱۳۷۹: ۴۹-۲۸.

۳ پیداست که با چنین تعریفی، دیگر اقسام مجازات و به عنوان نمونه مجازات‌هایی که جنبه تعزیری داشته و معطوف به اجرای احکام شریعت‌اند، از دایره شمول این موضوع خارج‌اند.

غزنویان تا حمله مغول، به شرح ذیل برشمرده و کاربرد عملی آنها در این بستر تاریخی را بررسی و در پنج دسته ذیل بیان کرده است:

۱. ابزارهای ساخته شده برای مجازات

اینها ابزارهایی‌اند که از روز نخست برای مجازات مجرمان و غیرمجرمان ساخته شده و در طول تاریخ از سوی افراد مختلف، خاصه حکومتگران به کار گرفته شده است. از اینرو هرگاه نامشان بر زبان آورده شود، نخستین مفهوم و اولین معنایی که در ذهن شنونده متبادر می‌شود، همانا استفاده ابزاری از آنها برای مجازات است. اهم این ابزارها عبارت است از:

۱-۱. دار اعدام

طنابی بر ستون و یا درختی وصل می‌کردند و دوطرف آن را آزاد می‌گذاشتند و طرف دیگر را حلقه می‌کردند و در گردن مجرم/متهم اغلب دست و پا بسته می‌انداختند و از طرف دیگر می‌کشیدند که به دلیل فشار و سنگینی تنه، فرد پس از تحمل درد و زجری فراوان خفه می‌شد. گاه طناب، ثابت بود و فرد را بر جسمی می‌نشانند و طناب دار را بر گردنش می‌انداختند و جسم را به سرعت از زیر پایش می‌کشیدند که در این حالت سریع خفه می‌شد و زجر کمتری را تحمل می‌کرد (خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۴۷-۱۴۸). با وجود تفاوت شیوه اجراء، به علت تشابه لفظی که برای هر دو به کار رفته، دار زدن در بیشتر موارد با شیوه اعدام مصلوب کردن، خلط شده و در نتیجه تفکیک آنها از هم دشوار است (همان، ۱۲۵). دار اعدام از کهن‌ترین ابزارهای به کار رفته در تاریخ بشری است که در تمدن‌های کهن (کلاتری، ۱۳۷۵: ۲۲؛ دورانت، ۱۳۷۲: ۱۹۳) به‌ویژه در قرون وسطی برای مجازات طبقات پایین جامعه (ماری کریس، ۱۳۹۵: ۴۱) و در غرب تا سده نوزدهم (گیدنز، ۱۳۷۹: ۱۵۴) به کار می‌رفته و یکی از ابزارهای مجازات جرم محاربه در قرآن است (مائده: ۳۳). دار اعدام از معدود ابزارهایی است که همگام با سیر تحول نظام‌های کیفری در تاریخ پیش رفته است و به عنوان یکی از شیوه‌های مختلف اعدام در جهان امروز هم به کار گرفته می‌شود.^۱

دار، یکی از پرکاربردترین ابزارها در عصر غزنوی بود و سبک‌نگین (حکومت: ۳۶۶-۳۸۷ق) افرادی چون عامل بُست (بیهقی، ۱۳۸۹: ۶۷۴/۲) و علی قلانسی متهم به الحاد (قزوینی، ۱۳۵۸:

۱ برای تفصیل مطلب درباره شیوه‌های دیگر، ن. ک: آنسل، ۱۳۵۰: ۵۰-۵۷.

۳۱۳) را با آن اعدام کرد و سلطان محمود (حکومت: ۳۸۸-۴۲۱ق) نیز جان سفیر توطئه‌گر دربار خوارزم (بیهقی، ۱۳۸۹: ۱۱۰۴/۳)، ترکمنان غارتگر سلجوقی (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۸۰/۲)، شماری از علمای شیعه (قزوینی، ۱۳۵۸: ۴۲) و نیز اسماعیلیه ری (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۹۶/۱۵؛ ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۷۱۱/۷) را با آن ستاند. در این دوره به‌جز سلاطین، منصوبان آنان نیز از این ابزار بهره گرفتند؛ برای مثال، کارگزاران سلطان مسعود غزنوی (حکومت: ۴۲۱-۴۳۱ق)، مهاجمان به دو شهر مهم ری (بیهقی، ۱۳۸۹: ۳۶/۱) و نیشابور (همان، ۶۵۴/۲) و خود سلطان نیز حسنک وزیر (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۱۵۲/۲)، ترکان غز (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۷۱۶/۷) و حکمران منصوب سلاجقه در جوزجان (همان، ۱۲/۸) را با آن مجازات کردند. غزنویان بعدها در دفاع از کیان و وجهه خود، همین ابزار را برای مجازات غوریان مهاجم به غزنه به کار گرفتند و سیف‌الدین سوری و وزیرش مجدالدین موسوی را در ۵۴۳ق دار زدند (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۳۹۵/۱).

در عصر سلجوقی نیز این وسیله در منازعات فرقه‌ای کاربرد بسیاری داشت و از مهم‌ترین ابزارهای مجازات اسماعیلیه بود و شماری از خود آنان (قزوینی، ۱۳۵۸: ۳۱۴) و نیز تعدادی از رجال حکومتی متهم به ارتباط با آنان، از جمله سعدالملک آبی، وزیر غیاث‌الدین محمد (حکومت: ۴۹۸-۵۱۱ق) بدین وسیله جانشان ستانده شد (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۷/۱۰۰؛ راوندی، ۱۳۶۶: ۱۰۵). ابوالفتح مسعود (حکومت: ۵۲۹-۵۴۷ق) از همین ابزار برای اعدام معترضان به رویکرد ضد اشعری‌اش در ۵۴۰ق در ری بهره گرفت (قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۴۲-۱۴۳). مادامی که مسلمانان مقید به آموزه‌های شرع، چنین بی‌پروا بدین ابزارها متوسل می‌شدند، غزهای نامسلمانی که چند سال بعد بلاد خراسان را درنوردیدند و منعی نظری در توسل به آنها نداشتند، در میان ابزارهای خشنی که برای کشتار به کار می‌گرفتند، شمار زیادی از علما، سادات و قضات این منطقه را در ۵۴۸ق با همین وسیله اعدام کردند (قزوینی، ۱۳۵۸: ۴۳؛ سمعانی، ۱۳۹۵: ۸۶/۱-۸۸). از آنجا که «خوی حاکم در رعیت جا و چرخ اخضر خاک را خضرا» می‌کند، حکمرانان محلی منصوب سلجوقیان نیز برای تحکیم موقعیت خود، همین ابزار را به کار گرفتند؛ و ایل‌ارسلان خوارزمشاه (متوفای ۵۶۷ق) یکی از غلامان حکمران ری را که بدو پناه برده بود، دار زد (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۳۴۸-۳۴۷/۹) و فرمانده سپاه اعزامی حکمران خوزستان، جان قاضی و

۱ جهت تفصیل درباره دیگر دیوانیان اعدام شده با این ابزار، ن. ک. قمی، ۱۳۶۳: ۱۱۰؛ ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۵۹۲/۸؛ بنداری، ۲۵۳۶: ۲۰۱؛ راوندی، ۱۳۶۶: ۲۰۱.

بزرگان شهر نهاوند (همان، ۳۸۳/۹-۳۸۴) را با این وسیله ستاند و قزلارسلان ایلدگری (حکومت: ۵۸۱-۵۸۷ق) نیز برای اعدام بزرگان شافعیان اصفهان (همان، ۱۰۳/۱۰) از این وسیله بهره گرفت. همچنین طغرل سوم (حکومت: ۵۷۱-۵۹۰ق) در مقام واپسین پادشاه سلجوقی، یکی از سرداران شورشی خود را با همین ابزار اعدام کرد (نظام‌حسینی یزدی، ۱۳۸۸: ۱۵۱-۱۵۳).

در این دوره برخلاف آیین‌های مدرن اعدام، کشتن بدین ابزار برای همه یکسان نبود و شیوه و مکان اجرای آن تابعی از جایگاه مجرم، جرم ارتكابی و هدف مورد نظر برای اجرای مجازات بود (فوکو، ۱۳۸۷: ۲۱). بر این اساس، گاه مجرم به صورت وارونه (بیهقی، ۱۳۸۹: ۶۶۰/۲)، در برابر مدفن افراد (جرفادقانی، ۱۳۸۲: ۳۷۶؛ ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۶۱۱/۷-۶۱۲)، بر باروی شهرها (همان، ۷۵۷/۷)، در بارگاه سلطنتی (راوندی، ۱۳۷۸: ۱۲۰/۹)، بر درخت (بیهقی، ۱۳۸۹: ۶۵۹/۲؛ مجهول المؤلف، [بی‌تا]: ۴۰۴؛ قزوینی، ۱۳۵۸: ۴۱۳)، بر در مدرسه محل تدریس (خواندمیر، ۲۵۳۵: ۲۰۵)، بر فراز پل (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۳۹۵/۱)، بر دروازه شهرها (بیهقی، ۱۳۸۹: ۶۷۳/۲) و کنار مصلی (همان، ۲۳۳/۱) به دار آویخته می‌شد و در برخی مواقع نیز از آن برای به نمایش گذاشتن سرهای معدومین استفاده می‌شد (همان، ۶۵۴/۲).

۲-۱. سم

از ابزارهای مهم کیفری است که امروزه هم کاربرد دارد. در گذشته، بیشتر سموم گیاهی و معدنی و امروزه سموم شیمیایی یا بیولوژیک یا گازهای سمی برای کشتن افراد به کار می‌رود (خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۰۵). در ایران باستان (ن. ک: همان، ۱۰۶-۱۰۸) و در تاریخ اسلام هم استفاده شده و به‌ویژه معاویه (حکومت: ۴۱-۶۰ق) به کاربرد آن مشهور است (بیضون، ۱۴۱۹: ۱۹۳). استفاده از این ابزار، تابعی از شرایط و جایگاه مجرم و هدف از مجازات بود و بر این اساس، گاه جداگانه و مستقل و گاه نیز در ترکیب با دیگر ابزارهای مجازات به کار گرفته می‌شد. به عنوان ابزاری مستقل، در عصر غزنوی «ابن فورک متکلم» در ۴۰۶ق (زریاب خوبی، ۱۳۷۵: ۴/۴۱۸) و در عصر سلجوقی نیز سلیمان‌شاه (حکومت: ۵۵۴-۵۵۶ق) در ۵۵۶ق (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۲۷۹/۹؛ بنداری، ۲۵۳۶: ۳۵۵) و ابوالقاسم مظفر جوینی پسر امام‌الحرمین (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: الف، ۶۷۵/۲) با آن کشته شدند. در ترکیب با دیگر ابزارها، با وجود عدم گزارشی درباره استفاده از آن در تیر زهرآلود (فخر مدبر، ۱۳۶۴: ۲۴۳)

در دوره سلجوقی، در قالب شمشیر زهر آلود، مخالفانی چون فصاد مخصوص غیاث‌الدین محمد سلجوقی در ۵۰۰ق (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۴۱) با آن مجازات شدند. در شیوه خوراندن، با ریختن آن در سبوی آب جمال‌الملک پسر نظام‌الملک طوسی، در ۴۷۵ق جانش را ستاندند (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۲۸۲/۸؛ بنداری، ۲۵۳۶: ۸۳) و با افزودن آن به شربت، کسانی چون قاورد در ۴۶۵ق (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۳۰؛ راوندی، ۱۳۶۶: ۱۲۷)، ملک‌الجبال غوری در دربار غزنه در ۵۴۳ق (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۳۳۶/۱)، ارسلانشاه سلجوقی (حکومت: ۵۵۶-۵۷۱ق) در ۵۷۱ق (نظام‌حسینی یزدی، ۱۳۸۸: ۱۴۹) و قتیبه‌خاتون یزدی همسر طغرل سوم، در ۵۸۸ق (مستوفی، ۱۳۸۷: ۴۶۸) با آن کشته شدند.

۱-۳. چوب نوک‌تیز

فروکردن تیرهای چوبی نوک‌تیز به بدن، یکی از شیوه‌های کیفری آشوریان (۹۳۴-۶۰۹ق م) بود (میران، ۱۳۵۳: ۱۹۷). البته در موضوع این پژوهش، این ابزار، کاربری مستقیم کیفری نداشته است و به صورت غیرمستقیم در اهداف تبعی مجازات (ترذیل و ترهیب)، در عصر غزنوی ابزار نمایش سرهای معدومان بود و «نوشتگین خاصه» شحنة مرو، در ۴۲۶ق سرهای ترکمنان را بر آن نصب کرد و به نمایش گذاشت (بیهقی، ۱۳۸۹: ۶۶۴/۲) و وفاداران به غزنویان نیز در ۴۴۴ق. سر طغرل حاجب را بر آن نهادند و در محلات غزنه گرداندند (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۲۳۶/۱).

۱-۴. میل آهنی

به‌رغم عدم وجود گزارشی دال بر استفاده از ابزارهای دیگری چون کافور (بیهقی، ۱۳۸۹: ۲۳۶/۱؛ مستوفی، ۱۳۸۷: ۱۹۰-۱۹۲)، خنجر (خلیلی، ۱۳۵۹: ۲۲) و روغن گداخته (کریستین‌سن، ۱۳۸۸: ۲۲۲) برای مجازات کور کردن، میل آهنی در این دوره به تنها ابزار اعمال این مجازات برای فرادستان سیاسی و به‌ویژه شاهزادگان تبدیل شد. در عصر غزنوی از پادشاهان، امیرمحمد در ۴۲۲ق (مستوفی، ۱۳۸۷: ۳۹۷)، از شاهزادگان، برادران ارسلانشاه (حکومت: ۵۰۸-۵۱۲ق) در سال نخست حکومت وی (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۶۰۴/۸) و از وزرا ابوسهل خجندی (خواندمیر، ۲۵۳۵: ۱۴۶) در حکومت ابراهیم (حکومت: ۴۵۱-۴۹۲ق) با این ابزار مجازات و از نعمت بینایی محروم شدند. در عصر سلجوقی نیز این وسیله، ابزار انحصاری کور کردن بود و از

شاهزادگان^۱ دو پسر قاوردییگ در ۴۶۵ق (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۳۰؛ راوندی، ۱۳۶۶: ۱۲۷)، از دیوانیان ابن‌بهمینار در ۴۷۴ق (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۶/۲۱۶) و از امرای نظامی، امیر آیتگین در ۴۹۵ق (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۸/۴۶۴؛ مستوفی، ۱۳۸۷: ۴۴۳) با این ابزار نابینا شدند. گفتنی است که کاربری دیگر این ابزار -البته در اندازه‌های بزرگ‌تر- حمل سر بریده شده معدومان با آن بود و مسعود غزنوی سر سردار عاصی‌اش «احمد ینالتگین» را بر آن نهاد و در شهرها گرداند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۳۱).

۵-۱. چهارمیخ

چهارمیخ از ابزارهای پرکاربرد مجازات از دوران باستان بوده است (دورانت، ۱۳۷۲: ۱۹۳، ۴۱۹). برای استفاده از این ابزار، دست و پای مجرم را از چهار جانب کشیده و هر یک را به میخی، خواه بر زمین و خواه بر دیوار و یا تخته می‌کوبیدند (خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۵۴). غلتک میخ‌دار «ابن‌زیات» وزیر واثق عباسی، برای اقرارگیری و شکنجه (بیضون، ۱۴۱۹: ۲۰۷-۲۰۸) مؤید کاربرد کیفری میخ در تاریخ اسلام است. در عصر غزنوی، حسن مؤدب از مریدان ابوسعید ابوالخیر، توسط ترکمنان سلجوقی (ابن‌منور، ۱۳۷۶: ۱/۱۷۰) و در عصر سلجوقی، یوسف خوارزمی قاتل آلب‌ارسلان، در ۴۶۵ق (راوندی، ۱۳۶۶: ۱۵۸؛ بنداری، ۲۵۳۶: ۵۴) و مردم اصفهان در سرداب‌های اسماعیلیه در ۴۹۴ق (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۴۱؛ نظام‌حسینی یزدی، ۱۳۸۸: ۷۴-۷۶) با این ابزار شکنجه شدند.

۶-۱. تازیانه

تازیانه که از پی‌گاو (کریستین‌سن، ۱۳۸۸: ۲۲۲)، ریسمان یا چرم و یا دسته‌ای چوب و غیر آن ساخته می‌شد، یکی از ابزارهای مجازات در درگاه پادشاهان و حکومتگران بود (انوری، ۲۵۳۵: ۲۲۱) که از قدیم‌الایام به کار گرفته می‌شد و هنوز هم در قوانین جزائی برخی دولت‌ها کاربرد دارد. نظام کیفری اسلام از این ابزار برای مجازات جرم‌هایی در حوزه روابط جنسی و شرب خمر (جزیری، ۱۴۲۲: ۱۲۵۴) بهره گرفته است. تازیانه از ابزارهای رایج در دربار غزنوی بود و

۱ جهت تفصیل مطلب درباره دیگر اعضای سلطنتی مجازات‌شده با این ابزار، ن.ک: ذهبی، ۴۱۳: ۲۱/۳۲؛ بنداری، ۲۵۳۶: ۱۰۲؛ ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۸/۲۹۳ و ۴۰۹.

۲ پیداست که این نوشتار، معطوف به بررسی کاربرد آن به عنوان «ضرب» در مقام ابزاری جهت دستیابی به هدفی سیاسی است، نه «جلد» به عنوان یک کیفر مشروع و قانونی دارای اعتبار ذاتی.

سلطان مسعود در ۴۲۲ق بوالفتح حاتمی، مشرف بلخ (بیهقی، ۱۳۸۹: ۴۵۷/۲) و دو سال بعد یکی از غلامان (همان، ۵۱۱/۲) و نیز رئیس نگهبانان دربار و خمارتگین ترشک، حاجب سرای (همان، ۶۶۰/۲) را تازیانه زد. در عصر سلجوقی نیز هواداران خواجه عبدالله انصاری (متوفای ۴۸۱ق) در ۴۷۸ق. یکی از متکلمان مخالف وی را در هرات با همین ابزار شکنجه کردند (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۴۱/۱۶).

۱-۷. عقابین

این وسیله از ابزارهای شکنجه در دوره غزنویان و مشتمل بر دو چوب بود که مقصر را بر آنها می‌بستند و به دار می‌کشیدند یا تازیانه می‌زدند (عمید، ۱۳۷۴؛ ۱۷۲۲/۳؛ پادشاه، ۱۳۶۳: ۲۹۶۴/۴). محمود غزنوی در بازار غزنین، مظفرین طاهر عامل فوشنج را با آن مجازات کرد (شبانکارهای، ۱۳۸۱: ۶۱/۲-۶۲) و سلطان مسعود نیز در ۴۲۵ق بوالمظفر حبشی، صاحب برید ری را به عقابین کشید و تازیانه زد (بیهقی، ۱۳۸۹: ۶۶۵/۲).

۲. ابزارهای مورد استفاده در مجازات

اینها ابزارهایی‌اند که معطوف به کارکردهای دیگرند و از روز نخست برای استفاده‌های دیگر در زندگی روزمره بشر به کار گرفته شده و به صورت مستقیم برای اعمال مجازات ساخته نشده‌اند، اما با توجه به افزایش ستیزها و نزاع‌های این دوره، به شرح ذیل کاربرد کیفی پیدا کرده‌اند:

۲-۱. آتش

با وجود کاربرد گسترده آن در تمدن‌های دنیای باستان (نوروال و روتمن، ۱۳۹۰: ۵۵؛ ماری کریس، ۱۳۹۵: ۲۰)، به دلیل تقدسش نزد زرتشتیان در ایران باستان، به صورت مستقل به عنوان ابزار مجازات^۱ به کار نرفت (خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۷۱). طرفه آنکه با وجود مخالفت صریح پیامبر با آن (بخاری، ۱۴۲۳: ۷۴۳)، هم توسط ابوبکر (حکومت: ۱۱ - ۱۳ق) به کار گرفته شده (حناشی، [بی‌تا]: ۵) و هم در مجازات جرم لواط، از سوی برخی فقها تجویز شد (جزیری، ۱۴۲۲: ۱۲۱۷).

۱ گفتنی است در ایران عصر هخامنشی و اروپای قرون وسطی، در دادرسی‌های مبهم و مشکل، در مجازات وَر (آردالی) به عنوان ادله اثبات دعوا، خواهان و خوانده را به شیوه‌هایی می‌آزمودند و برنده این آزمایش‌ها را محق می‌دانستند؛ که گذر از آتش یکی از مهم‌ترین شیوه‌های آزمایش‌ها بود (ن.ک: احتشام، ۲۵۳۵: ۹۸).

به جز کاربرد آن در مجازات‌هایی چون ممهور کردن مخالفان مذهبی و میل کشیدن چشم، در ایران عصر غزنوی ابزار کاربردی چندان مستقلی نبوده است و در عصر سلجوقی، به جز سوزاندن مدافعان دژ شهر «اگاک لال» (در گرجستان فعلی) توسط آلبارسلان (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۱۹۵/۸؛ حسینی، ۱۳۸۰: ۷۲)، از خشن‌ترین ابزارهایی بود که در منازعات فرقه‌ای به کار گرفته شد. همچنین توسط اسماعیلیه برای مجازات امامی زیدی در ۵۲۶ق در گیلان (همدانی، ۱۳۸۷: ۱۳۹) و نیز در مقیاسی بیشتر بر ضد خودشان به کار رفت و شمار زیادی از آنان به انتقام شکنجه و کشتار مردم اصفهان، در ۴۹۴ق در این شهر سوزانده شدند (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۴۱؛ ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۴۵۰/۸). کاربری کیفری این ابزار در این دوره، محدود به زندگان نبود و شدت کینه و دشمنی، حتی مدفونان را هم از آن مصون نگذاشت و علاء‌الدین حسین غوری (حکومت: ۵۴۵-۵۵۶ق) در نخستین سال حکومتش بدون توجه به اصل شخصی بودن مسئولیت و تصریح قرآن به آن، در انتقام خون برادرش، شماری از سلاطین غزنوی را نبش قبر کرد و استخوان‌هایشان را سوزاند (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۳۴۴/۱). در جایی که منع شرعی نتوانست سد راه توسل به چنین ابزاری در جامعه اسلامی شود، سه سال بعد، غزان نامسلمانی که منعی در به کارگیری آن نداشتند، در حمله به خراسان، هم نیشابوریان پناه گرفته در مناره مسجد شهر را طعمه حریق کردند (ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۱۰/۳۷) و هم بسیاری از علمای خراسان را به شکنجه سوزاندند (همان، ۳۵۴؛ سمعانی، ۱۳۹۵: ۱۰۶/۲، ۱۴۸، ۴۲۲؛ ابن‌منور، ۱۳۷۶: ۳۸۴، ۳۸۰/۱؛ سبکی، ۱۹۶۴: ۱۵۴/۷). البته شدت تنش‌های فرقه‌ای و فروکاستن دین به ابزار هویتی باعث شد که مسلمانان حتی در شکنجه‌ای فجیع‌تر از این ابزار بهره بگیرند و در ۵۵۲ق یک علوی در نیشابور پخته شد (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۲۴۵/۹) و فوران خشم محمد خوارزمشاه (حکومت: ۵۹۶-۶۱۷ق) نیز منجر به صدور فرمان کباب کردن یکی از کارگزارانش بر سیخ شد (خواندمیر، ۲۵۳۵: ۲۳۴-۲۳۵).

۲-۲. چاه

سابقه کاربری کیفری آن به ایران پیش از اسلام برمی‌گردد و در عصر ساسانی، مزدک و پیروانش در چاه زنده به گور شدند (خاتمی، ۱۳۷۸: ۳۴۹). چاه از جمله ابزارهایی است که در ستیزهای فرقه‌ای عصر سلجوقی به کار رفت؛ و اسماعیلیان نزاری، سنیان اصفهان را در چاهی که برای مجازات حفر کرده بودند، افکندند (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۴۵۰/۸) و در واکنش به این اقدام، اصفهانیان نیز در ۴۹۴ق چاه‌هایی حفر کردند و در آنها آتش برافروختند و پیروان آن فرقه را

به صورت انفرادی و دسته دسته در آنها افکندند (همان جا).

۲-۳. حمام

در ادوار مختلف تاریخ ایران و به ویژه در دوره پس از اسلام، این جلوه گاه معماری ایرانی-اسلامی، صرفاً مکانی برای نظافت و تطهیر نبود و با توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خود، کارکردهای متنوع اجتماعی و حتی سیاسی داشته است. قتل مرداوین بنیان‌گذار سلسله زیاریان در ۳۲۳ق از مشهورترین کاربری‌های کیفری این مکان در تاریخ ایران پس از اسلام است (همان، ۳۵/۷). این ابزار به عنوان یکی از ابزارهای کیفری در مجازات زنان نیز به کار گرفته شد و علاءالدین حسین غوری در ۵۴۵ق زنان دخیل در خوارداشت برادرش در غزنه را در حمام زندانی و با بستن منافذش، با بخار آب خفه کرد (همان، ۱۹۰/۹).

۲-۴. بازار

با توجه به بسیاری آمد و شد افراد جامعه از طبقات گوناگون در بازار، این نهاد عملکردی مانند یک مرکز بزرگ اطلاع‌رسانی امروزی داشت و نقش بازارهای سنتی ایران در تقویت همبستگی اجتماعی، آنها را به یکی از مهم‌ترین مکان‌های حل و فصل اختلافات، اجرای احکام و تصمیمات مهم تبدیل کرده بود. استفاده از بازار و دیگر مکان‌های عمومی برای مجازات مجرمان در دوره مورد مطالعه، امری شایع بود؛ چنان‌که هم در ایران باستان (احمدی، ۱۳۴۶: ۶۳) و هم در فرهنگ غزهای پیشااسلام (مشکور، ۱۳۴۹: ۱۳۴) سابقه داشته است. در تاریخ اسلام، به جز گرداندن مرتکبان جرم «قوادی» در شهرها (صلاحی، ۱۳۸۶: ۱۰۰)، دستور عبدالملک مروان (حکومت: ۶۵-۸۶ق) به عاملش در مدینه مبنی بر گرداندن مخالفان در بازار (دینوری، ۱۳۸۸: ۲۸۱)، مؤید کاربری کیفری آن است و از آنجا که به دنبال گروش ایرانیان به اسلام، فرهنگ کیفری ایرانیان نیز از نظام کیفری مسلمانان تأثیر پذیرفت، در این دوره نیز در عین کاربرد کیفری، منحصر به شیوه خاصی نبود و مجازات‌های مختلفی در آن اجرا شد. در حکومت غزنویان در مجازات‌هایی چون کشاندن جسد قائد منجوق، رهبر قبیله ترک «کجات» در ۴۲۲ق (بیهقی، ۱۳۸۹: ۴۶۳/۲) و عبدالجبار وزیر دربار در ۴۲۶ق (همان، ۱۱۱۹/۳)، گرداندن سیف‌الدین سوری و وزیرش مجدالدین در ۵۴۳ق برای تحقیر آنان (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۱۸۹/۹-۱۹۰) و در عصر سلجوقی در کشاندن جسد ابوطاهر نجار (همان، ۴۹۹/۸) و سوزاندن دو اسماعیلی (راوندی، ۱۳۶۶: ۱۵۷-۱۵۸) و گرداندن ابن‌عطاش (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۵۴۴-۵۴۱/۸) و دار زدن سعدالملک (همان، ۵۴۸/۸) و زین‌الملک قمی (همان، ۵۹۲/۸)

نمایش جسد طغرل سوم (همان، ۱۰/۱۲۷-۱۲۸؛ نظام‌حسینی یزدی، ۱۳۸۸: ۱۵۵)، به کار گرفته شد.

۲-۵. طناب

نوعی نوار منسوج و تسمه‌مانند بود که به‌ویژه در زندگی چادرنشینی عشایری، برای مصارف گوناگون در اندازه‌های بلند، متوسط و کوتاه بافته می‌شد. با توجه به سرازیر شدن گروه‌های متعدد ترکان چادرنشین به ایران در این دوره، این وسیله یکی از کاربردی‌ترین ابزارهای زندگی روزمره چادرنشینی بود. در ایران عصر ساسانی (۲۲۴-۶۵۱م) برای آویختن پوست از کاه انباشته شده مجرمان بر دروازه شهر (بیانی، ۱۳۷۹: ۵۰) به کار می‌رفت. در این دوره به جز کاربرد آن برای دار اعدام، خود نیز به صورت مستقل به عنوان ابزار خفه کردن به کار گرفته می‌شد و در عصر غزنوی، حسنک وزیر در ۴۲۲ق. پیش از به دار کشیده شدن (بیهقی، ۱۳۸۹: ۱/۲۳۵) و در عصر سلجوقی گوهرخاتون همسر غیاث‌الدین محمد در ۵۱۱ق (بنداری، ۲۵۳۶: ۱۳۵) با آن خفه شدند. کشاندن جسد معدومان در شهرها، از دیگر کاربری‌های کیفی این ابزار بود که در عصر غزنوی جسد دو تن از دیوانیان دربار خوارزم به نام‌های «فائد منجوق» (بیهقی، ۱۳۸۹: ۲/۴۶۳) و «عبدالجبار» (همان، ۳/۱۱۱۹) و در حکومت ملک‌شاه سلجوقی جسد ابوطاهر نجار اسماعیلی مذهب با آن در سطح شهر کشیده شد (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۸/۴۴۹). از دیگر کاربری‌های کیفی این ابزار، آویختن قطعات بدن معدومان بود و به جز سرهای افرادی چون اتابک بوزابه در ۵۴۱ق. بر در خانه خلیفه عباسی (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۶۴) و ابن‌سنکا (برادرزاده حکمران خوزستان) در ۵۶۱ق (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۸/۲۰۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۹/۳۹۹) و طغرل سوم در ۵۹۰ق. بر دروازه نوبی بغداد (همان، ۱۰/۱۲۸)، اجساد کشته شدگانی چون پیلان ظالم بُست بر درخت در ۳۶۷ق (بیهقی، ۱۳۸۹: ۲/۶۷۴) و حسنک در کنار مصلا در ۴۲۲ق (همان، ۱/۲۳۵-۲۳۷) و طغرل سوم سلجوقی در بازار ری در ۵۹۰ق (اصفهانی، ۱۴۲۵: ۱۴۹) با آویختن به وسیله آن، در معرض دید همگان به نمایش گذاشته شد.

۲-۶. کندن لباس

از آنجا که لباس به نوعی نماد تشخص فرد و معرف پایگاه اجتماعی‌اش است، حذف، تنقیص و یا تغییر آن شیوه‌ای از شکنجه تزدیلی بود؛ چنان‌که در ژاپن قدیم، لباس از تن زنان بزهکار درمی‌آوردند و آنان را به راه رفتن همچون چهارپایان وامی‌داشتند (کلانتري، ۱۳۷۵: ۱۴). در

ایران بعد از اسلام نیز یعقوب لیث وقتی در ۲۵۵ق بر علی بن حسین و طوق بن مغلس دست یافت، جامه‌های رنگین بر تنشان کرد و چون زنان به آنان مقنعه پوشاند و با خواری تمام در شهر کرمان گرداند (چیت‌ساز، ۱۳۷۴: ۱۳۳-۱۳۴) و صمصام‌الدوله بویهی نیز بعد از دستگیری علاءالدوله در ۳۸۳ق، لباس‌های رنگی بر او پوشاند و در کوچه‌های شهر اهواز گرداند (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۴۵۹/۷). در این دوره، کندن لباس چند کاربرد کیفی داشت و ساده‌ترین و شایع‌ترین و نخستین مجازات بدین وسیله، دستار از سر برداشتن بود (چیت‌ساز، ۱۳۷۴: ۲۸۷)؛ چنان‌که در عصر غزنوی سلطان محمود در ۴۰۸ق قاتلان ابوالعباس خوارزمشاه را پیش از اعدام، سر برهنه کرد (بیهقی، ۱۳۸۹: ۱۱۱۱/۳) و به فرمان وی مظفر بن طاهر عامل فوشنج را نیز سر و پای برهنه از این شهر به غزنه منتقل کردند (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۶۱/۲-۶۲). طرفه آنکه جانشین و پسر خود وی مسعود نیز به همین شیوه مجازات شد و شورشیان به هنگام دستگیری‌اش در ۴۳۱ق دستار از سرش برداشتند (چیت‌ساز، ۱۳۷۴: ۲۸۸). در عصر سلجوقی نیز رومانوس دیوجانوس امپراتور دستگیر شده روم، سر برهنه به حضور آلب ارسلان برده شد (همان‌جا) و به گفته نگارنده بعضی فضائح الروافض، یکی از اقدامات کیفی نظام‌الملک در دوران وزارت (۴۶۵-۴۸۵ق) کشیدن دستار از سر مخالفان مذهبی بود (به نقل از: جعفریان، ۱۳۷۱: ۵۱). مجازات دیگر با این ابزار، افکندن همین دستار جهت احضار بود و محمود غزنوی به همین شیوه مظفر بن طاهر را به غزنه (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۶۱/۲-۶۲) و مخالفان مذهبی را به نزد خود احضار کرد (قزوینی، ۱۳۵۸: ۴۲). گاه همین دستار، ابزار خفه کردن می‌شد؛ چنان‌که محمد بن یحیی نیشابوری در تهاجم مرگبار غزان به خراسان در ۵۴۸ق، با آن خفه شد (همایی، [بی‌تا]: ۲۸۴). البته گاه همچون مجازات مسترشد عباسی در ۵۲۹ق، با عریان کردن جسد، مقتول را تحقیر می‌کردند (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۶۴/۹). به جز لباس‌های مردانه، لباس‌های زنان نیز برای خوارداشت به کار گرفته می‌شد و در نیمه‌های سده ششم هجری، بلخیان بر سر انوری شاعر (متوفای حدود ۵۸۳ق) روسری کشیدند (صفا، ۱۳۷۱: ۶۶۰/۲-۶۶۱).

۲-۷. دوختن اعضای بدن همراه با خوراندن مسهل

یکی از خوارکننده‌ترین ابزارهای مجازات در دوره مورد مطالعه این پژوهش، دوختن دهان یا مقعد مجرمان از یک سو و خوراندن خوراکی‌های مسهل به آنان از دیگر سو بود. از جمله آنکه ابوسعبد بن محمد حکمران کازرون، در ۵۰۸ق فرمان داد مقعد سفرای اعزامی «چاولی

سقاوو» حکمران فارس را بدوزند و با خوردن خوراکی‌های مسهل و افکندن در برابر آفتاب سوزان، آنان را گرفتار مجازاتی کشنده کردند (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۱۲/۸-۶۱۴).

۲-۸. شراب

خوراندن اجباری شراب و دیگر مسکرات به افراد، به‌ویژه دیندارانی که آنرا حرام می‌دانستند، یکی از مجازات‌های این دوره بود. افزون بر این، گاهی با نشانیدن آن به مجرمان، بازجویی و اقرارگیری از آنان را آسان می‌کردند (همان، ۵۸۰/۸). در کاربری کیفی دردناک‌تر، در عصر غزنوی اسب‌ها را با شراب مست کردند و قاتلان سلطان مسعود اول را به دم آنها بستند تا زجر و سختی بیشتری بر آن سیاه‌بخنان تحمیل کنند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۴۲).

۳. جنگ‌افزارهای مورد استفاده در مجازات

چنان‌که در سطور قبل اشاره شد، در پژوهش حاضر به جای کاربری نظامی این جنگ‌افزارها، کاربری کیفی آنها در مجازات افراد در خارج از میدان نبرد، به شرح ذیل بررسی شده است:

۳-۱. شمشیر

از جنگ‌افزارهای آفندی و پراج‌ترین، قدیمی‌ترین و کاربردی‌ترین سلاح‌های فردی پیش و بعد از اسلام بود که در نبرد تن‌به‌تن به کار می‌رفت (جنیدل، ۱۴۱۷: ۱۲۶-۱۲۸). شمشیر سلاح مبارزان و دلاوران خوانده شده که رعب و هیبتش بیش از دیگر سلاح‌هاست و در میان همه آنها، شمشیر هندی از همه برنده‌تر و بهتر بود (فخر مدبر، ۱۳۶۴: ۲۵۷-۲۵۸). ابزار اصلی اعدام در عصر ساسانی (کریستین‌سن، ۱۳۸۸: ۲۲۲) و روم باستان (ماری کربس، ۱۳۹۵: ۲۰) و ابزار انحصاری مصرح توسط پیامبر برای مجازات تعاقب‌کنندگان دختر مرحومه‌اش زینب بود (فیاض، ۱۳۸۰: ۸۹) و وسیله تعیین شده جهت مجازات جرم لواط از سوی شماری از فقها است (کردی، ۱۳۹۴: ۲۰۱). شیوه‌های مجازاتی که در این دوره با این ابزار انجام شدند، عبارت‌اند از:

۳-۱-۱. **کشتن**: به جز کشتن عمیدالملک کندی (ابونصر، ۲۰۰۳: ۲۱۷)، در کشتار جمعی غیرنظامیان در تهاجم مسعود غزنوی به اصفهان در ۴۲۱ق نیز اصلی‌ترین ابزار قتل‌عام مردم پناه گرفته در جامع شهر بود (مافروخی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۱۴۶) و در

۱ گفتنی است این نوشتار، معطوف به به بررسی مجازات‌هایی است که منابع به صراحت به ابزار اعمال آنها اشاره کرده‌اند و بر این اساس، آن دسته از مجازات‌هایی که منابع درباره ابزار انجام آنها مسکوت‌اند، از دایره شمول این موضوع خارج است.

تهاجم غزان به خراسان در ۵۴۸ق ابزار اصلی کشتار مردم آن خطه بوده است (ابن منور، ۱۳۷۶: ۴/۱، ۴۲، ۳۸۰، ۳۸۴).

۳- ۱- ۲. مثله کردن: در عصر غزنوی سربازان دستگیر شده ایلک خان قراخانی (متوفای ۴۰۳ق) در ۳۹۸ق (نفیسی، [بی تا]: ۴۰/۱) و تاش فراش حاجب در ۴۲۷ق (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۷/۷۱۷) و همچنین طغرل حاجب در ۴۴۴ق (مستوفی، ۱۳۸۷: ۳۹۹) با این شیوه کشته شدند. در عصر سلجوقی نیز قاتل آلبارسلان (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۸/۲۳۱) و وزرای چون تاج الملک در ۴۸۶ق (همان، ۳۶۴/۸) و مستوفیانی چون مجدالملک قمی در ۴۹۲ق (قزوینی، ۱۳۵۸: ۸۲؛ راوندی، ۱۳۶۶: ۱۴۵) و خلیفه مسترشد عباسی در ۵۲۹ق (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۹/۶۳-۶۴) و همچنین دو غلام سلطان سنجر (بنداری، ۲۵۳۶: ۳۲۱-۳۲۳) به وسیله آن مثله شدند.

۳- ۱- ۳. گردن زدن: برعکس بریدن سر، این عمل با قطع نخاع از پشت سر انجام می شد (خلیلی، ۱۳۵۹: ۴۱). در عصر غزنوی دو سردار غوری اسیر شده در ۴۳۸ق به فرمان مودود (فروزانی، ۱۳۸۶: ۲۹۳) و در عصر سلجوقی وزرای چون مؤیدالملک در ۴۹۴ق. توسط خود برکیارق (راوندی، ۱۳۶۶: ۱۴۸)، شمس الملک در ۵۱۷ق به فرمان مغیث الدین محمود (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۷/۲۲۲؛ ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۸/۶۸۸-۶۸۹) و کمال الدین محمد بن خازن در ۵۳۳ق توسط اتابک قراستقر (بنداری، ۲۵۳۶: ۲۲۳) و حکمرانانی چون قدرخان جبرائیل در ۴۹۷ق (همان، ۳۱۵) و قطورخان در ۵۳۵ق به دست سنجر (همدانی، ۱۳۸۶: ۵۸) و امرای نظامی همین پادشاه سلجوقی در ۵۴۸ق به دست غزان (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۹/۲۰۰) از این طریق اعدام شدند.

۳- ۱- ۴. دو نیم کردن: شمشیر از ابزارهای اصلی (دیگر ابزارها در: بیهقی، ۱۳۸۹: ۲/۶۹۱) اعمال این مجازات بود (خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۵۹-۱۶۰). سلطان سنجر پسر اتسز خوارزمشاه را در ۵۳۳ق (کمال الدین حلمی، ۱۳۸۷: ۷۱) و علی چتری (حکمران هرات) را در ۵۴۴ق (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲/۲۱۲) به این شیوه کشت و تکش خوارزمشاه (حکومت: ۵۸۹-۵۹۶ق) نیز «مؤید آیه» حکمران نیشابور را با این ابزار اعدام کرد (همان، ۱۳۷/۲).

۳- ۱- ۵. قطع دست: در عصر غزنوی سلطان مسعود دست راست تیراندازان میهنه

(ابن منور، ۱۳۷۶: ۱۵۷/۱) و بسیاری از ترکمنان غز (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۷/۱۱۶) و در عصر سلجوقی عمیدالملک کندری دست شماری از مدافعان شهر خوی (ریاحی، ۱۳۷۲: ۴۰) و «تیرانشاه» حکمران کرمان دست راست ترکان اسماعیلی (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۸/۴۵۴) و چاولی سقاوو حکمران فارس و خوزستان نیز دست‌های عده‌ای از مردم این منطقه (همان، ۵۳۵/۸) را با این ابزار بریدند.

۳-۲. خنجر/کارد

از جنگ‌افزارهای فردی آفندی که هم نوع بزرگ و هم کوچک داشت و در جنگ‌های صدر اسلام، غالباً زنان به آن مسلح بودند (قائدان، ۱۳۸۲: ۲۶۵). در دوره مورد بحث، سلاح اختصاصی فداییان اسماعیلی بود و به واسطه کوچکی و سهولت حمل، آن را در زیر لباس (همان‌جا) و یا پیشانی اسب (بنداری، ۲۵۳۶: ۱۷۱) پنهان می‌کردند و ابزار انحصاری آنان جهت کشتن مخالفان بود و هرگز ابزارهای دیگر همچون تیر و زهر به کار نمی‌بردند. مجازات‌های انجام شده با این ابزار، عبارت‌اند از:

۳-۲-۱. کشتن: خنجر از ابزارهای پرکاربرد عصر سلجوقی در اجرای این مجازات بود و از پادشاهان سلجوقی آلبارسلان در ۴۶۵ق (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۶/۳۰۵؛ ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۸/۲۳۱)، از وزرا خواجه نظام‌المک طوسی در ۴۸۵ق (همان، ۸/۳۵۴)، از رؤسای شهرها «ابوالمسلم سروشیاری» رئیس ری، در ۴۹۴ق (آشتیانی، ۱۳۸۴: ۸۲) و علاءالدوله رئیس همدان، در ۵۲۴ق (اصفهانی، ۱۴۲۵: ۱۷۸)، از خلفا مسترشد در ۵۲۹ق (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۵۶؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۷/۲۹۹) و راشد در ۵۳۲ق (راوندی، ۱۳۶۶: ۲۲۹)، از غلامان جوهر تاجی (بنداری، ۲۵۳۶: ۳۲۹) و از مقامات شهری، شحنة اصفهان در ۴۹۳ق (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۷/۵۵) با این ابزار روانه جهان دیگر شدند.

۳-۲-۲. بریدن گوش و بینی: انگشت در بینی فرو می‌کردند و با خنجر یا کارد از زیر انگشت و از روی لب به طرف بالا بینی بریده می‌شد (خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۶-۱۷). آلبارسلان سلجوقی بینی فرمانده سپاه پیش‌قراول روم در جنگ ملازگرد در ۴۶۳ق (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۸/۲۲۳)، چاولی سقاوو بینی مردم منطقه فارس (همان، ۸/۵۳۵)، اسماعیلیه گوش و بینی مسترشد عباسی در ۵۲۹ق (همان، ۹/۶۳-۶۴) و فرمانده اعزامی امیر شمله (حکمران خوزستان) بینی والی شهر نهاوند را در ۵۶۸ق (همان، ۹/۳۸۳) با

این ابزار بریدند.

۳-۲-۳. در آوردن چشم: به وسیله نوک تیز خنجر انجام می‌شد (خلیلی، ۱۳۵۹: ۲۲). ابراهیم ینال (متوفای ۴۵۰ق) در ۴۳۹ق «سرخاب بن محمد» حکمران بنی‌عناز را با این ابزار از نعمت بینایی محروم (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۰۸/۱۵) و ملک‌شاه در ۴۷۶ق. سیدالروءا ابوالمحاسن، مستوفی دربار را با آن کور (همان، ۲۲۸/۱۶) و چاولی سقاوو (متوفای ۵۱۰ق) شماری از مردم فارس و خوزستان را با آن نابینا کرد (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۵۳۵/۸). ارسلان خوارزمشاه (حکومت: ۵۵۱-۵۶۵ق) نیز دو چشم یکی از برادران خود (همان، ۲۲۹/۹) را با همین ابزار از حدقه درآورد.

۳-۲-۴. بریدن زبان: به وسیله نوک خنجر، زبان را از انتهای حلق جدا می‌کردند و بیرون می‌کشیدند (خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۲). جمال‌الملک پسر نظام‌الملک در ۴۷۵ق. زبان «جعفرک» دلقک دربار ملک‌شاه (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۲۸۱/۸) و چاولی سقاوو در حمله به کرمان، زبان یکی از سربازان خود را با این ابزار بریدند (همان، ۶۱۵/۸).

۳-۳. ناچخ

به معنی تبرزین و یادآور واژه «ناشکه»^۱ در فرهنگ‌های سانسکریت به معنی «نابودکننده» است (پورداد، ۱۳۴۶: ۴۵). از سلاح‌های معمول در دوره غزنوی است که بر پهلوی زین اسب بسته می‌شد (معین، ۱۳۸۶: ۱۸۸۷/۲) و بنا به گفته فخر مدبر (اواخر سده ششم قمری) گویا تبرزینی بوده که مهره آهنینی داشته و یادآور شده که مهره‌اش به جای گرز و رویش به جای شمشیر به کار می‌رفته است (فخر مدبر، ۱۳۶۴: ۲۶۰). این ابزار به شکل داس باریک (همچون ماه نو) و وسیله شکستن کف و گردن بوده است (نخجوانی، ۲۵۳۵: ۷۰). در عصر غزنوی یکی از ابزارهای تکه‌تکه کردن هارون بن‌آلتون‌تاش حکمران خوارزم در ۴۲۶ق (بیهقی، ۱۳۸۹: ۸/۲) (۶۹۱) و وسیله کشتن عبدالجبار وزیر دربار خوارزم و دو پسر و شماری از بستگانش بود (همان، ۶۹۷/۲).

۴-۳. گرز (چماق)

از کهن‌ترین ابزارهای شناخته و ساخته شده به دست انسان و مختص کسانی است که بر قوت

1 Nashaka.

بازوی خود اطمینان دارند (فخر مدبر، ۱۳۶۴: ۲۶۳). در عصر سلجوقی، یوسف خوارزمی قاتل آلبارسلان در ۴۶۵ق (حسینی، ۱۳۸۰: ۸۷) و صدرالدین محمد وزیر سنجر بعد از فتح غزنه در ۵۱۲ق (خواندمیر، ۲۵۳۵: ۱۸۹) با این ابزار به هلاکت رسیدند.

۳-۵. دبوس

گونه‌ای گرز آهنی به شکل مربع یا مدور با دسته چوبی بود که سواره‌نظام برای نبرد با کسانی که خود و جوشن می‌پوشیدند، در زیر زین خویش پنهان می‌کردند (قلقشندی، ۱۹۱۳: ۱۳۵/۲). واژه‌ای است فارسی و تازی‌اش با «ب» مشدّد است (شیر، ۱۳۸۶: ۹۴). در عصر غزنوی یکی از ابزارهای تکه‌تکه کردن هارون‌بن آتوتناش در ۴۲۶ق بود (بیهقی، ۱۳۸۹: ۶۹۱/۲). گویا سلاح اختصاصی ترکان و چنان مخوف بود که همگان بیمناک از مواجهه با یک ترک مسلح به آن بودند؛ چه ابوحامد غزالی (۴۵۰-۵۰۴ق) با اشاره به این واقعیت، «آمدن ملک‌الموت و سندن جان» را «با هول‌تر از دبوس ترکان» معرفی می‌کند (غزالی، ۱۳۸۰: ۶۲۳/۲).

۳-۶. تیر

از سلاح‌های متداول دوره غزنوی و سلجوقی و حتی همه ادوار تاریخ تا این اواخر است که با کمان پرتاب می‌شود و چوب راست و باریکی با نوک آهنین و گاه زهرآلود است (انوری، ۲۵۳۵: ۱۴۱-۱۴۲) که دو تیغه یا شاخه مخالف داشت تا خارج شدن آن را از بدن دشوار سازد (فائدان، ۱۳۸۲: ۲۶۰). در عصر غزنوی سلطان مسعود در حمله به اصفهان در ۴۲۱ق مردم غیرنظامی پناه گرفته در مسجد جامع شهر (مافروخی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۱۴۶) و نیروهای دربار خوارزم نیز در ۴۲۶ق عبدالجبار را با این ابزار تیرباران کردند و کشتند (بیهقی، ۱۳۸۹: ۶۹۱/۲) و مودود در ۴۳۲ق شماری از قاتلان پدرش مسعود (گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۴۲) را با آن مجازات کرد. در عصر سلجوقی نیز آلبارسلان با این ابزار در صدد مجازات ضاربش برآمد (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۲۳۱/۸).

۳-۷. زه کمان

کمان از چوبی مخصوص و قابل ارتجاع و با پوست حیواناتی چون کرگدن، گوزن، نیله گاو^۱ و

۱ جانوری است صحرایی و بزرگ‌تر از گوزن (ن.ک: رامپوری، آبی‌تا: ۵۰۳/۲).

اسب درست می‌شد که پوست کرگدن بهترین آن بود (فخر مدبر، ۱۳۶۴: ۲۴۵). هر کمان، دو زه و هر زه، دو انگشترانه برای محافظت از انگشت به‌هنگام استفاده از آن داشت (همان‌جا). به‌رغم عدم گنجاندن آن در شمار ابزارهای خفه کردن در کتاب تاریخ شکنجه: تاریخ کشتار و آزار در ایران (ن.ک: خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۶۲-۱۶۳)، یکی از مهم‌ترین ابزارهای اعمال این مجازات در دوره مورد بحث است. در عصر غزنوی، سبکتگین پیلبانی ظالم را در بست در ۳۶۷ق (بیهقی، ۱۳۸۹: ۶۷۴/۲) و در عصر سلجوقی به واسطه احتراز از ریختن خون اعضای سلطنت، طغرل اول برادر ناتنی‌اش ابراهیم ینال را در ۴۵۱ق (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۱۵۷/۸؛ بنداری، ۲۰۰۳: ۲۵۳۶) و طغرل سوم در اوایل حکومت، یکی از مخالفان به نام سید علاءالدوله (نظام‌حسینی یزدی، ۱۳۸۸: ۱۴۹-۱۵۰) و در اواخر سلطنتش، وزیرش عزیزالدین کاشی را به همراه پسرش (نراقی، ۱۳۴۵: ۶۱) با این ابزار خفه کردند.

۳-۸. نیزه

از جنگ‌افزارهای آفندی و مختص درگیری از فاصله کم با دشمن بود و زمانی که از چوب نی‌های محکم ساخته می‌شد، بر سرش قطعه‌ای نوک‌تیز از آهن نصب می‌شد تا به وسیله آن دشمن را مجروح کنند. دارای دو نوع بلند برای سواره‌نظام و کوتاه برای پیاده‌نظام بود (فائدان، ۱۳۸۲: ۲۵۵-۲۵۶). به جز کاربرد در جنگ‌ها، قتل انفرادی و یا دسته‌جمعی با آن، یک نوع شکنجه است (خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۲۰). در کاربرد آن به عنوان ابزار اعدام، شریف حسین علوی، سفیر فاطمیان در دربار غزنه به نام «تاهرتی» را با فرو کردن آن در گردنش در ۴۰۳ق کشت (عتبی، ۱۴۲۴: ۳۹۴-۳۹۵). در کاربری کیفی دیگر، محمود غزنوی در ۳۷۷ق. سرهای خویشان پادشاه هند را بر آن نهاد و نزد پدرش سبکتگین فرستاد (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۴۳/۲) و در عصر سلجوقی نیز تکش خوارزمشاه در ۵۹۰ق، هم سر طغرل سوم سلجوقی را بر آن نشانند و به بغداد فرستاد (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۱۲۷/۱۰-۱۲۸) و هم سر «ابن‌قصاب» وزیر خلیفه عباسی را بر آن نصب و به شهرهای خراسان ارسال کرد (ذهبی، ۱۴۰۴: ۳۲۴/۲۱).

۴. ابزارهای طبیعی مورد استفاده در مجازات

سابقه صحرانشینی، پیشینه ایلی و فقدان تجربه حکومت‌داری ترکانی که در این دوره به ایران وارد شدند و طی فرایندی زمان‌بر و خشونت‌زا موقعیت خود را تحکیم بخشیدند، در کنار علل

و عوامل دیگری که موضوع این نوشتار نیست،^۱ به چنان زبری و خشونت‌ی در بستر اجتماع انجامید که ابزارهای گفته شده در حذف و یا منکوب ساختن دیگران بسنده نکرد و گروه‌ها و کنشگران فعال در ساختار سیاسی را به شرح ذیل ناچار از کاربرد مظاهر/ ابزارهای طبیعی در مجازات در عرصهٔ منازعات آن دوره کرد:

۴-۱. جمادات

۴-۱-۱. آب: چند کاربری کیفی داشت که مهم‌ترین آن خفه کردن از طریق فرو بردن افراد در آن بود و به‌رغم عدم کاربرد چندان آن در ایران باستان (خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۶۰-۱۶۱) مگر در وَر (کریستین‌سن، ۱۳۸۸: ۲۱۹)، یکی از مهم‌ترین ابزارهای اعدام در دوره‌های تاریخی کهن بود (دورانت، ۱۳۷۲: ۱۵۷، ۲۹۰؛ ماری کربس، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۰). یکی از شیوه‌های غرق کردن در این دوره، آکندن شلوارهای مجرمان از سنگ و افکندن آنان در آب بود (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۸۰/۲). در حکومت ملک‌شاه سلجوقی، ابن‌علان یهودی (ضامن بصره) رادر ۴۷۲ق. در دجله غرق کردند (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۲۰۶/۱۶؛ ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۲۷۴/۸) و در حکومت خوارزمشاهیان که به‌ویژه به مجازات با این ابزار مشهور بودند (صفا، ۱۳۷۱: ۱۲۲/۲-۱۲۳)، اتسز (حکومت: ۵۲۱-۵۵۱ق) ادیب صابر شاعر را در ۵۴۲ق (مستوفی، ۱۳۸۷: ۴۸۳) و ترکان خاتون (متوفای ۶۳۰ق) نیز بهاء‌الدین سام غوری و برادرش را بعد از تازش مغول در ۱۶ق. در جیحون غرق کردند (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۳۷۹/۱). گاه همچون مجازات دختران آوازه‌خوان غزنه توسط علاء‌الدین حسین جهانسوز، مجرمان را با بخار آب در حمام خفه می‌کردند (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۱۹۰/۹) و گاه جسد آنان را در آب می‌افکندند؛ چنان‌که برکیارق جسد عمویش تکش را در ۴۸۷ق (همان، ۳۸۵/۸) و ابوالفتح مسعود (حکومت: ۵۲۹-۵۴۷ق) جسد امیرعباس حکمران ری را در ۵۴۱ق (راوندی، ۱۳۶۶: ۲۳۸؛ نیشابوری، ۱۳۹۰: ۶۳) به آب افکندند. گاه همچون مجازات ابوالفتح بستی در حکومت مسعود غزنوی، با افکندن مشک‌ی در گردن فرد، وی را با الزام به آب کشیدن در ستور گاه، تحقیر می‌کردند (بیهقی، ۱۳۸۹: ۲۱۵/۱).

۱ نگارنده در قالب فصل مستقلی در رسالهٔ دکتری‌اش به تفصیل به آنها پرداخته و نقش آنها را در خشونت‌زایی بستر اجتماعی بررسی کرده است.

۴ - ۱ - ۲. سنگ: استفاده از این ابزار برای سنگسار افراد، از دیرباز کاربرد داشته است؛ چنان که در تورات بدان اشاره شده (نوروال و روتمن، ۱۳۹۰: ۴۵) و در یونان (همان، ۳۶) و ایران باستان (راوندی، ۱۳۷۸: ۶۸۷/۱) کاربرد داشته است. در اسلام ابزار مجازات مرتکبان زنا (جزیری، ۱۴۲۲: ۱۱۷۰) و لواط (همان، ۱۲۱۸) است. در این دوره، سنگسار نه به صورت مستقل برای هدفی شرعی، بلکه به هنگام دار زدن و در مورد پیروان مذاهب فرقه‌ای و مغضوبان حکام انجام می‌شد. در عصر غزنوی، اسماعیلیه خراسان در ۴۰۳ق (عتبی، ۱۴۲۴: ۳۹۱) و یعقوب جندی سفیر اعزامی دربار خوارزم، در ۴۰۸ق (بیهقی، ۱۳۸۹: ۱۱۰۴/۳)، اسماعیلیه ری در ۴۲۰ق (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۱۸) و حسنگ وزیر در ۴۲۲ق (همان، ۴۲۵: ۱۳۸۹: ۲۳۵/۱) بردار سنگسار شدند.

۴ - ۱ - ۳. خاک: استفاده از خاک در مجازات افراد به ایران باستان برمی‌گردد؛ چنان که در عصر هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ ق م) برخی از مجرمان را تا گردن در خاک فرو می‌کردند (دورانت، ۱۳۷۲: ۴۱۹). شدت خشونت‌های دوره مورد بحث، کاربری‌های کیفی دیگری نیز به آن داد؛ و یا برای تحقیر افراد، در ۵۴۳ق در غزنه بر سر افرادی چون سیف الدین سوری و وزیرش مجدالدین خاک ریخته شد (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۱۸۹/۹-۱۹۰) و یا در انتقام همین تحقیر، دوباره به کار گرفته شد و توسط علاءالدین حسین غوری در جوال‌هایی بر دوش شماری از مردم غزنه نهاده و به فیروزکوه (پایتخت غوریان) انتقال داده شد و با خون حمل‌کنندگان ترکیب و برای ملاط برج این شهر به کار گرفته شد (همان‌جا). همچنین سه سال بعد در تهاجم غزان به خراسان، در دهان جمعی از مردم میهنه (ابن‌منور، ۱۳۷۶: ۴/۱، ۳۸۰) و نیشابور و دو تن از علمای آن شهر (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۵۰) خاک ریخته شد. گویا استفاده از این ابزار برای چنین شکنجه‌ای، چنان مرسوم بوده است که «عبدالجلیل رازی قزوینی» به هنگام برآفتن از دیدگاه‌های نگارنده بعضی فضائح الروافض، آرزو می‌کند که خاک در دهانش ریخته شود (ن. ک: قزوینی، ۱۳۵۸: ۴۱۱، ۴۲۹).

۴ - ۱ - ۴. کاه: سابقه کاربرد آن برای آکندن پوست کنده شده معدومان، به عصر هخامنشی بازمی‌گردد و این مجازات «اوزمه‌یا»^۱ خوانده می‌شد (احتشام، ۲۵۳۵: ۹۵). از

این ابزار برای آکندن پوست «فضلویه» رئیس کردان شبانکاره در فارس، در ۴۶۵ق (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۹۲؛ قس: ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۸/۲۳۰) و ابن عطاش در اصفهان در ۵۰۰ق (همان، ۵۴۴/۸) استفاده شد.

۴-۵. خاکستر/خاشاک: از ابزارهای ترذیلی بود و به هنگام اقامت ابوسعید ابوالخیر (متوفای ۴۳۷ق) در نیشابور (از ۴۱۵ق به بعد) شیعیان بر سرش خاکستریختند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶، ب: هشتاد و دو) و در مجازات ابن عطاش در اصفهان (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۴۲؛ راوندی، ۱۳۶۶: ۱۶۱) و سیف‌الدین سوری و وزیرش مجدالدین در غزنه (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۱/۳۹۴-۳۹۵)، بر سر آنان خاشاک و خاکستر و نجاست ریخته شد.

۲-۴. حیوانات

با توجه به کاربرد گسترده حیوانات در اموری چون کشاورزی و حمل و نقل در جوامع پیشاصنعتی، در حوزه مورد بحث نیز از آنها استفاده می‌شد. در روم باستان (۵۱۰-۲۷ق م) مجرمان را به همراه چهار حیوان چندان‌آور در گونی چرمی بزرگی محبوس می‌کردند و سپس به دریا یا پرتگاهی عمیق می‌افکندند (ماری کربس، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۰). در ایران عصر ساسانی (۲۲۴-۵۱۰م) به جز کاربردهایی چون ساخت تازیانه از پی‌گاو (کریستین سن، ۱۳۸۸: ۲۲۲)، عیسویان دست و پابسته محبوس در سیاه‌چال را طعمه موش‌های گرسنه (همان، ۲۲۱) و در امپراتوری روم باستان (۲۷ق م-۴۷۶م) اسیران جنگی و مجرمان را طعمه درندگان گرسنه می‌کردند (نوروال و روتمن، ۱۳۹۰: ۵۵؛ ماری کربس، ۱۳۹۵: ۲۰). به جز سایدن در زیر پای فیل (کریستین سن، ۱۳۸۸: ۲۲۲) و افکندن جسد اعدام‌شدگان نزد حیوانات وحشی در ایران عصر ساسانی (همان، ۲۲۳) و طعمه کردن مجرمان خطرناک برای درندگان در یونان باستان (نوروال و روتمن، ۱۳۹۰: ۳۹)، استفاده از حیوانات در شکنجه‌هایی دیگر همچون تجاوز به زنان مجرم با فیل‌های تربیت شده در شرق قدیم (کلاتری، ۱۳۷۵: ۱۳-۱۴) معمول بود. گزارش‌هایی از صدور فرمان پوشاندن لباسی از موی بز جهت مجازات مخالفان در عصر اموی (دینوری، ۱۳۸۸: ۲۸۱) و سایدن افراد در زیر پای فیل در دوره آل‌بویه (فقیهی، ۱۳۷۳: ۱۶۷) مبین کاربرد کیفی حیوانات در عصر اسلامی است.

در دوره مورد بحث، اعدام در زیر پای فیل یکی از کاربری‌های کیفی این حیوان به‌ویژه در

عصر غزنوی بود که با فشار دست و پای فیل تحت هدایت فیلبان بر سینه مجرم/متهّم دست بسته، در نهایت وی معدوم و به قولی مالیده می‌شد (کلاتری، ۱۳۷۵: ۱۵). محمود غزنوی در ۴۰۰ق «ابن باحفص» پسر حکمران سیستان (مجهول المؤلف، ۱۳۸۱: ۳۳۶) و در ۴۰۷ق قاتلان ابوالعباس مأمون خوارزمشاه (بیهقی، ۱۳۸۹: ۱۱۱۱/۳) را با این ابزار کشت و مسعود نیز در ۴۲۶ق. اسرای ترکمن (همان، ۶۶۴/۲) و ابراهیم (حکومت: ۴۵۱-۴۹۲ق) هم در قحطی غزنه، محتکران آرد را در زیر پای فیل ساییدند (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۲). در عصر سلجوقی نیز ضاربان سیستانی برکیارق در ۴۸۸قبا همین ابزار (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۸/۱۷؛ ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۳۹۶/۸) اعدام شدند. گاه برای رعب‌افکنی بیشتر به ساییدن اکفا نمی‌کردند، بلکه معدومان را بر دندان همین حیوان می‌نهادند و در انتظار عموم می‌گرداندند (بیهقی، ۱۳۸۹: ۱۱۱۱/۳).

اسب یکی دیگر از ابزارهای کیفری است که مودود غزنوی (حکومت: ۴۳۲-۴۴۱ق) شماری از قاتلان پدرش را بر دم آنها بست (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۴۲) تا در اثر کشیده شدن بر سنگ‌ها و خار زمین تکه تکه شوند (خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۶۷-۱۶۸). دیگر حیوان دارای کاربری کیفری در این دوره، سگ است که در ۵۴۸ق، هم غیاث‌الدین محمد دوم (حکومت: ۵۴۸-۵۵۴ق) جسد یکی از امرایش به نام «خاص بک بن بلنکری» (ن.ک: ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۱۸۶/۹-۱۸۷) و هم غزان مهاجم، شماری از علمای خراسان را زنده زنده طعمه این حیوان درنده کردند (سمعانی، ۱۳۹۵: ۴۲۲/۱).^۱ گاه شدت کینه آمر/عامل مجازات به حدی بود که چشمان از حدقه درآورده شده فرد مغضوب را طعمه این حیوان می‌کرد؛ چنان که ملکشاه با چشمان سیدالروسا ابوالمحاسن چنین کرد (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۲۸/۱۶).

تبدیل حیوان به ابزار خوارداشت مجرمان، از دیگر کاربری‌های کیفری حیوانات در این دوره است؛ برای مثال، ارسال سرهای ترکمنان مقتول با خر برای رهبرشان توسط مسعود غزنوی در ۴۲۹ق (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۳۵)، الزام بوالفتح بستی به آب کشیدن در ستورگاه در حکومت همین فرد (بیهقی، ۱۳۸۹: ۲۱۵/۱) و واداشتن عمیدالملک کندری به کار در ستورگاه و سگ‌خانه (قمی، ۱۳۶۳: ۹۹)، نشان دادن ابن عطاش اسماعیلی مذهب بر شتر در اصفهان در ۵۰۰ق (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۴۲؛ راوندی، ۱۳۶۶: ۱۶۱) و گرداندن سیف‌الدین سوری و وزیرش مجدالدین

۱ در حوزه مکانی غیر از موضوع این نوشتار نیز به گفته عبدالجلیل قزوینی (۵۰۴ - ۵۸۵ق) که خود معاصر رویداد است، آل باوند شیعه‌مذهب حاکم بر مازندران، در اواسط سده ششم هجری، هزاران اسماعیلی‌مذهب را زنده زنده طعمه این حیوان کردند (به نقل از: جعفریان، ۱۳۸۸: ۴۴۵).

موسوی بر گاو در غزنه در ۵۴۳ق (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۱۸۹/۹-۱۹۰؛ قس: جوزجانی، ۱۳۶۳: ۳۹۴/۱-۳۹۵) از بارزترین مصادیق این شکنجه است. با وجود اعتقاد نگارنده کتاب تاریخ شکنجه: تاریخ کشتار و آزار در ایران به فقدان مجازات در پوست گاو دوختن در تاریخ اسلام (خلیلی، ۱۳۵۹: ۲۱۰)، محمود غزنوی بعد از فتح ری در ۴۲۰ق، شماری از دیلمیان را در پوست گاو دوخت و به غزنین اعزام کرد (مجهول المؤلف، [بی تا]: ۴۰۴).

۵. ابزارهای کم کاربرد

تعدد علت‌ها و تکرر مشارکت‌های خشونت‌زای بستر این دوره و زبری آن، نیروهای دخیل در ساختار سیاسی را به شرحی که در سطور فوق گذشت، به استفاده حداکثری از ابزارهایی کشاند که معطوف به تعذیب بودند و حجم کمتری از ابزارها در تحقق اهداف فروتر از تعذیب به کار گرفته شد. بر این اساس در میان هر چهار دسته ابزار گفته شده، برخی ابزارها به کار گرفته شد که یا میزان توسل بدان‌ها کم بود و یا بازتاب کمتری در منابع تاریخی پیدا کرده است. با این وصف، با عنایت به لزوم استقصای کامل همه آنها جهت شناخت هر چه بهتر نظام کیفری این دوره و بررسی سیر تحول آن، در ادامه به آنها پرداخته شده است.

در گروه ابزارهای ساخته شده برای مجازات، «سه پایه» به صورت مستقیم کاربری کیفری پیدا نکرد، اما در اهداف تزدیلی و تهریبی در نمایش سرهای معدومان به کار رفت؛ برای مثال، «حسن سلیمان» شحنة سلطان مسعود غزنوی در ری، بعد از دفع تهاجم آل بویه به این شهر در ۴۲۱ق، سرهای شمار زیادی از آنان را در مسیر آمدنشان، بر سه پایه‌های نصب شده به نمایش گذاشت (بیهقی، ۱۳۸۹: ۳۶/۱). دیگر ابزار کم کاربرد در همین گروه، مَهر است. مهور کردن، یکی از اشکال مجازات مجرمان در غرب تا سده نوزدهم میلادی بود (گیدنز، ۱۳۷۹: ۱۵۴). این ابزار در ستیزهای فرقه‌ای عصر سلجوقی به کار رفت و در نیمه سده ششم قمری بر پیشانی بزرگان شیعی قزوین، مهربی دال بر محبت خلفای اول و دوم راشد نهادند (جعفریان: ۱۳۸۸: ۴۴۷). آخرین ابزار کم کاربرد ساخته شده برای مجازات، حلقه آهنی است که یکی از ابزارهای کیفری تزدیلی عصر سلجوقی و نماد پیروزی عامل/آمر مجازات و تبدیل فرد مغضوب به جارجی شکستش بود. آلبارسلان بعد از پیروزی در ملازگرد در ۴۶۳ق، آن را در گوش امپراتور شکست خورده روم کرد (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۱۰۱/۲).

در ابزارهای مورد استفاده برای مجازات، گچ از جمله مصالحی است که به دلیل

ویژگی‌هایی چون چسبندگی، استحکام و غیره از زمان‌های گذشته در مصارف ساختمانی، پزشکی و صنعتی به کار می‌رفته است و در این دوره به عنوان ابزار مجازات، در اهداف تریبی و برای دربند کشیدن مجرمان به کار گرفته می‌شد. برای مثال، به دستور محمود غزنوی در به نمایش گذاشتن جنازه‌های قاتلان ابوالعباس خوارزمشاه بر دار به کار رفت (بیهقی، ۱۳۸۹: ۱۱۱/۳). شدت فروکاستن دین به ابزاری برای نزاع‌های هویتی در این دوره، حتی ابزارهای عبادی را نیز به «آلت جنگ و نفیر» تبدیل کرد و لوحک نماز آنگاه که بر گردن کسی آویخته می‌شد، به مثابه نوعی تحقیر و توهین به او به شمار می‌رفت و در چنین حالتی ابزاری برای مجازات بود؛ چنان که به گفته صاحب بعض فضائح الروافض، بعد از دار زدن شیعی لاعن صحابه، لوحک نماز بر گردنش افکنده و به نمایش گذاشته شد (قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۹۲).

حجم خشونت نهاد مجازات در این دوره، به بهره‌گیری صرف از ابزارهای غیرکیفری در نظام کیفری بسنده نکرد، بلکه گاه آنها را برای تحقق اهداف تکمیلی دیگر نیز به کار گرفت. کلاه‌خود از جمله جنگ‌افزارهای مورد استفاده در نظام کیفری این دوره بود که به عنوان ابزار تکمیلی به کار گرفته شد و با توجه به نیاز به سر حسنگ وزیر، به هنگام سنگسار وی بر دار، بر سرش کشیده شد تا از آسیب سنگ‌های پرتاب شده مصون بماند و برای نیل به اهداف بعدی به کار گرفته شود (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۲۴-۴۲۵؛ بیهقی، ۱۳۸۹: ۲۳۴/۱).

در میان ابزارهای طبیعی مورد استفاده در مجازات، کوه‌بلندی از جمله ابزارهایی بود که کاربری کیفری پیدا کرد و سابقه کاربرد آن به روم باستان (نوروال و روتمن، ۱۳۹۰: ۵۰-۵۱) و کشورهای اسکاندیناوی قرون وسطا برمی‌گشت (همان، ۸۹). در دایره موضوع این پژوهش، این مجازات مرتکبان جرم لواط است (جزیری، ۱۴۲۲: ۱۲۱۸). در دایره موضوع این پژوهش، این ابزار به عنوان مجازاتی شرعی به کار گرفته نشد، اما علاء‌الدین حسین غوری در رویکردی انتقام‌جویانه، در جریان تسخیر غزنه در ۵۴۵ق، علویان دخیل در قتل برادرش را دست‌بسته از فراز کوه‌ها به پایین افکند (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۱۹۰/۹). دیگر ابزار کم‌کاربرد به کار رفته در این گروه، سرگین‌دان بود که در خوارداشت جسد مجرمان به کار می‌رفت و پیکر «بوظلحه شبلی» عامل هرات را پس از پوست کندن، در یک سرگین‌دان افکندند (بیهقی، ۱۳۹۰: ۹۲۰/۳).

نتیجه‌گیری

به دنبال ورود تدریجی و سلطه ترکان در ایران و به تخت نشستن غزنویان، دوره‌ای در تاریخ این

کشور آغاز شد که اقتدار ایلی مبتنی بر چیرگی، مهم‌ترین ویژگی آن است. واقعیت‌های فرهنگ قبیله‌ای دودمان‌های حکومتگر در ایران سده‌های میانه، در کنار نیاز آنان به مشروعیت دینی دستگاه خلافت در حوزه عمل سیاسی، الگوی حکمرانی حاکم بر سپهر سیاسی ایران اسلامی را بیش از پیش به سلطنت پیشاسلامی نزدیک‌تر و عرصه را بر آموزه‌های اسلام و رویکرد سنت نبوی در این حوزه تنگ‌تر کرد. بقای نیروهای دخیل در این سپهر سیاسی به عنوان یک «متن» متأثر از «زمینه» و تأثیرگذار بر آن، مقتضی توسل به ابزارهای کیفری برای اعمال قدرت و منکوب کردن و یا حذف گروه‌های رقیب در جامعه آن عصر بود و بر این اساس، هم نوع و هم میزان ابزارهای کیفری به کار گرفته شده در این جهت، بسیار متفاوت و بسی بیشتر از آنی بود که اسلام تاریخی، ناچار از به رسمیت شناختن آنها در عرصه واقعیت اجتماعی شده بود. با عنایت به حاکمیت حکومتگران این دوره و تغییر صورت گرفته در الگوی حکمرانی ایران پس‌اسلامی، به نظر می‌رسد ابزارهای کیفری به کار رفته در منازعات این دوره، به ترتیب ریشه ایرانی و سپس ترکی داشتند و هماهنگی و همراهی خواسته یا ناخواسته این دو فرهنگ، عرصه را بر نقش‌آفرینی فرهنگ اسلامی در این حوزه تنگ‌تر کرد.

منابع و مآخذ

- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴ش)، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و یحیی ذکا، تهران: دانشگاه تهران.
- آنسل، مارک (۱۳۵۰ش)، اعلام، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران: پیام.
- آیین‌وند، صادق (۱۳۷۹ش) «فتوح در اسلام: فتح تغلبی، فتح قلوب» تاریخ اسلام، ش ۲، صص ۲۸-۴۹.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن (۱۴۲۲ق)، الکامل فی التاریخ، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربیه.
- ابن بلخی (۱۳۷۴ش)، فارسنامه، به کوشش منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- ابن جوزی، ابوالفرج (۱۴۱۲ق)، المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم، به کوشش محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منور، محمد (۱۳۷۶ش)، اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگاه.
- ابونصر، محمد عبدالعظیم (۲۰۰۳م)، السلاجقه تاریخهم السیاسی و العسکری، قاهره: دارعین للدراسات و البحوث الإنسانیة و الإجتماعیة.
- احتشام، مرتضی (۲۵۳۵ش)، ایران در زمان هخامنشیان، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.

- احمدی، اشرف (۱۳۴۶ش)، قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران باستان، تهران: کتابفروشی اشراقی.
- اصفهانی، عمادالدین (۱۴۲۵ق)، تاریخ دولت آل سلجوق، به کوشش یحیی مراد، بیروت: دارالعلمیه.
- انوری، حسن (۲۵۳۵ش)، اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی، تهران: کتابخانه طهوری.
- بخاری، ابو عبدالله محمد (۱۴۲۳ق)، صحیح البخاری، دمشق - بیروت: دار ابن کثیر.
- بنداری، فتح بن علی (۲۵۳۶ش)، تاریخ سلسله سلجوقی، ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بیانی، شیرین (۱۳۷۹ش)، دین و دولت در عهد ساسانی، تهران: جامی.
- بیضون، ابراهیم (۱۴۱۹ق)، «من صاحب العذاب الی صاحب التَّور: دراسة فی اشکالیه العنف و السَّطه خلال فترات من عصری بنی امیه و بنی عباس»، المنهاج، ش ۱۲، صص ۱۹۱-۲۱۲.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۸۹ش)، تاریخ بیهقی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: مهتاب.
- پادشاه، محمد (۱۳۶۳ش)، فرهنگ جامع فارسی آندراج، تهران: کتابفروشی خیام.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۴۶ش)، «زین ابزار: کمان و تیر؛ ورقی از تاریخ سلاح در ایران» بررسی‌های تاریخی، ش ۷، صص ۲۹-۴۶.
- جرفاذقانی، ابوالشرف ناصر (۱۳۸۲ش)، ترجمه تاریخ بمبئی، به کوشش جعفر شعار، تهران: علمی و فرهنگی.
- جزیری، عبدالرحمان (۱۴۲۲ق)، الفقه علی مذاهب الأربعة، بیروت: دار ابن حزم.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۸ش)، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران: علم.
- ---- (۱۳۷۱ش)، تاریخ گسترش تشیع در ری، تهران: آستان مقدس حضرت عبدالعظیم.
- جنید، سعد بن عبدالله (۱۴۱۷ق)، معجم التراث السَّلاح، ریاض: دارالملك عبدالعزيز.
- جوزجانی، منهاج سراج (۱۳۶۳ش)، طبقات ناصری، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- چیت‌ساز، محمدرضا (۱۳۷۴ش)، تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول، تهران: سمت و مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌های سازمان صدا و سیما.
- حسینی، صدرالدین (۱۳۸۰ش)، زبده التواریخ؛ اخبار الأمراء و الملوک السلاجوقیه، ترجمه رمضان علی روح‌اللهی، تهران: ایل شاهسون بغدادی.
- حاشی، عبداللطیف [بی تا]، السَّطه و العنف فی التَّاریخ الإسلامی؛ الدَّولة الأمویة انموزجاً، رباط: مؤسسه مؤمنون بلاحدود للدراسات و الأبحاث.
- خلیلی، مهیار (۱۳۵۹ش)، تاریخ شکنجه: تاریخ کشتار و آزار در ایران، تهران: گستره.
- خاتمی، محمد (۱۳۷۸ش)، آیین و اندیشه در دام خودکامگی، تهران: طرح نو.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن هماد (۲۵۳۵ش)، دستورالوزرا، به کوشش سعید نفیسی، تهران: اقبال.
- دورانت، ویل (۱۳۷۲ش)، تاریخ تمدن: مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران: شرکت سهامی انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

- دینوری، ابن قتیبه (۱۳۸۸ش)، امامت و سیاست، ترجمه ناصر طباطبایی، تهران: ققنوس.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد (۱۴۱۳ق)، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی.
- ---- (۱۴۰۴ق)، سیر اعلام النبلاء، به کوشش بشار عواد معروف، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- رامپوری، غیاث‌الدین محمد [بی‌تا]، غیاث اللغات، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: کانون معرفت.
- راوندی، مرتضی (۱۳۷۸ش)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: نگاه.
- راوندی، نجم‌الدین (۱۳۶۶ش)، راحة الصدور و آية السرور، به کوشش محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.
- ریاحی، محمد امین (۱۳۷۲ش)، تاریخ خوی، تهران: توس.
- زریاب خویی، عباس (۱۳۷۵ش)، «ابن فورک» دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، صص ۴۱۷-۴۲۲.
- سبکی، تاج‌الدین ابونصر (۱۹۶۴م)، طبقات الشافعية الكبرى، به کوشش محمود محمد طناحی و عبدالفتاح حلوه، قاهره: مطبعة فیصل عیسی بابی حلبی و دارالکتب العربیه.
- سمعانی، عبدالکریم (۱۳۹۵ق)، التَّجْرِیر فی المعجم الکبیر، به کوشش منیره ناجی سالم، بغداد: رئاسة دیوان الأوقاف.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی (۱۳۸۱ش)، مجمع الأنساب، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶)، شالف، تعلیقات بر اسرار التوحید، ن. ک: ابن منور.
- ---- (۱۳۷۶)، ش ب، مقدمه بر اسرار التوحید، ن. ک: ابن منور.
- شیر، ادبی (۱۳۸۶ش)، واژه‌های فارسی عربی شده، ترجمه سید حمید طیبیان، تهران: امیرکبیر.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۱ش)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوس.
- صلاحی، جاوید (۱۳۸۶ش)، کفرشناسی و دیدگاه‌های جدید، تهران: میزان.
- طوسی، نظام‌الملک (۱۳۸۷ش)، سیاست‌نامه، به کوشش هیو برتدارک، تهران: علمی و فرهنگی.
- عتبی، ابونصر محمد (۱۴۲۴ق)، الیمینی، به کوشش احسان ذوالنون سامری، بیروت: دارالطلیعه.
- عمید، حسن (۱۳۷۴ش)، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر.
- غزالی، ابوحامد (۱۳۸۰)، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: علمی و فرهنگی.
- فخر مدبری، محمد بن منصور (۱۳۶۴ش)، آداب الحرب و الشجاعة، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران: اقبال.
- فروزانی، ابوالقاسم (۱۳۸۶ش)، غزنویان از پیدایش تا فروپاشی، تهران: سمت.
- فوکو، میشل (۱۳۸۷ش)، مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- فیاض، علی اکبر (۱۳۸۰ش)، تاریخ اسلام، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۷۳ش)، چگونگی فرمانروایی عضدالدوله دیلمی و بررسی اوضاع ایران در زمان

- آلبویه، تهران: پرتو.
- قائدان، اصغر (۱۳۸۲ش)، سازماندهی و سازمان رزم و تحولات آن در تاریخ اسلام (از آغاز تا پایان عصر عباسی)، تهران: دانشگاه امام حسین.
- قزوینی، عبدالجلیل (۱۳۵۸ش)، *النقض، بعض مطالب التواصب فی نقض بعض فضائح الروافض*، به کوشش جلال‌الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی.
- قلقشندی، ابوالعباس (۱۹۱۳م)، *صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء*، قاهره: المطبعة الأمیریة.
- قمی، نجم‌الدین ابوجا (۱۳۶۳ش)، *تاریخ الوزرا*، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کردی، امید عثمان (۱۳۹۴ش)، *کنکاشی فقهی و حقوقی در مجازات اعدام*، ترجمه سید هاشم موسوی آبگرم، تهران: احسان.
- کرستین‌سن، آرتور (۱۳۸۸ش)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.
- کلاتری، کیومرث (۱۳۷۵ش)، *اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها*، بابلسر: دانشگاه مازندران.
- کمال‌الدین حلمی، احمد (۱۳۸۷ش)، *دولت سلجوقیان*، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی (۱۳۶۳ش)، *زین الأخبار*، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹ش)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صوری، تهران: نی.
- ماری کربس، ژان (۱۳۹۵ش)، *مروری بر تاریخ مجازات اعدام*، ترجمه رضا ناصحی، واشنگتن: بنیاد عبدالرحمان برومند.
- مافروخی اصفهانی، فضل‌بن سعد (۱۳۸۵ش)، *محاسن اصفهان*، ترجمه حسین‌بن محمد آوی، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.
- مجهول المؤلف (۱۳۸۱ش)، *تاریخ سیستان*، به کوشش محمدتقی بهار، تهران: معین.
- [بی‌تا]، *مجمل التواریخ والتقصص*، به کوشش ملک الشعرا بهار و بهجت رضانی، تهران: کلاله خاور.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۸۷ش)، *تاریخ گزیده*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۴۹ش)، «ترکان غز و مهاجرت ایشان به ایران»، *بررسی‌های تاریخی*، ش ۲۸، صص ۱۱۷-۱۴۲.
- معین، محمد (۱۳۸۶ش)، *فرهنگ معین*، تهران: ادنا.
- میران، ژاک (۱۳۵۳ش)، «شکندره از قدیمی‌ترین پدیده‌های تاریخ بشر است»، ترجمه هادی خراسانی، وحید، ش ۱۲۶، صص ۱۹۵-۲۰۱.
- نجوانی، محمدبن هندوشاه (۲۵۳۵ش)، *صحاح الفرس*، به کوشش عبدالعلی طاعتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- نراقی، حسن (۱۳۴۵ش)، *تاریخ اجتماعی کاشان*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات سیاسی.
- نظام حسینی یزدی، محمد بن محمد (۱۳۸۸ش)، *العراضه فی الحکایة السلاجوقیه*، به کوشش مریم میرشمسی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.
- نفیسی، سعید [بی تا]، *پیرامون تاریخ بیتهی*، تهران: کتابفروشی فروغی.
- نوروال، موریس و دیوید روتمن (۱۳۹۰ش)، *سرگذشت زندان؛ روش مجازات در جامعه غرب*، ترجمه پرتو اشراق، تهران: ناهید.
- نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۹۰ش)، *ساجوقنامه*، به کوشش اسماعیل افشار و محمود منافی، تهران: اساطیر.
- همایی، جلال‌الدین [بی تا]، *غزالی‌نامه*، تهران: کتابفروشی فروغی.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۸۶ش)، *جامع التواریخ/تاریخ آل ساجوق*، به کوشش محمد روشن، تهران: میراث مکتوب.
- ---- (۱۳۸۷ش)، *جامع التواریخ، اسماعیلیان*، به کوشش محمد روشن، تهران: میراث مکتوب.

